



اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است. منصور حکمت

جنگ آمریکا در منطقه و آینده مبارزه مردم ایران

تعیین شده تمهید شود، و همچنین در روزهای اخیر دولت های روسیه و چین و فرانسه و آلمان با حمله نظامی امریکا مخالفت کرده، و دولت ترکیه و دولت های عربی منطقه نیز بخاطر موقعیت خود، در موافقت با جنگ، دچار تزلزل شده اند، جورج بوش ضمن مخالفت با درخواست بازرسان سازمان ملل و نادیده گرفتن همه مخالفت های موجود، همچنان برطیل حمله نظامی می کوبد و همدوش تونی بلر سرگرم پیاده کردن نقشه های جنگی خود



صالح سرداری

در حالیکه بازرسان سازمان ملل متحد در عراق، گفته اند برای انجام ماموریت خود به زمان بیشتری نیاز دارند و تقاضا کرده اند مدت زمان

صفحه ۲

مدافع حقوق زنان و کودکان در سوئد، مسئولین خانه های امن زنان در عراق و سوئد و اسرائیل و فلسطین تا محققین و نویسندگان معروف و فعالین سیاسی در کنفرانس گرامیداشت فادیمه شاهیندل شرکت داشتند.

پیامهای همبستگی

پیامهای همبستگی متعددی برای کنفرانس ارسال شده بود. "تهداد اول کودکان"، "زنان بدون مرز"، "تزند بگی خانی" از سخنرانان سمینار که بدلالی امکان شرکت نداشت، ساکار احمد مسئول خانه امن زنان در اربیل کردستان عراق و سردبیر نشریه برابری، و دهها پیام و ای میل مردم سوئد. از میان پیامهای دریافتی، پیام مینا احدی مسئول کمیته بین المللی علیه سنگسار و پیام ناهید ریاضی چهره برجسته جنبش زنان در دانمارک در روز اول کنفرانس قرائت شد.

روز اول

روز اول کنفرانس بزبان سوئدی بود. در سالن کنفرانس، همه جا تصویر فادیمه و فادیمه ها بود. سارا محمد در بخشی از سخنان افتتاحیه اش گفت: "فادیمه یک قهرمان و یک اکتیویست پرشور جنبش زنان بود. مرگ فادیمه درست مانند زندگی اش منشا اثر بود. فادیمه حقارت را نپذیرفت و برای

صفحه ۴

فادیمه عزیز! سوئد را با فریادت به لرزه در آوردم. ما میرویم تا قانون را به نفع زنان و دختران تغییر دهیم. ما تحمل از دست دادن فادیمه دیگری را نداریم. ما مصمم هستیم که مرتجعین و چاقو بدستان و حامیان آشکار و نهانشان را قاطعانه شکست دهیم. این را به تو و هزاران مانند تو قول میدهم. این تلاشها هدیه جنبش ما در ساگرد به خون غلتیدن تو بود. در این هفته همه جا تصویر زیبای تو، گل میخک و فریاد تو بود. یادت همیشه عزیز است.

کنفرانس گرامیداشت فادیمه شاهیندل با موفقیت برگزار شد گوشه هایی از کنفرانس سه روزه استکهلم



روزهای جمعه و شنبه و یکشنبه، ۱۷-۱۹ ژانویه، استکهلم میزبان کنفرانسی مهم و در نوع خود بی نظیر در سالگرد به قتل رسیدن فادیمه شاهیندل بود. در هفته قبل از کنفرانس تصویر دوست داشتنی فادیمه عزیز و کمونیستها و آزادیخواهانی که جامعه سوئد را در ابعاد میلیونی مورد خطاب قرار داده اند، در مرکز اخبار و مباحث پیرامون این واقعه مهم بودند. این کنفرانس به دعوت سازمان "پلا و فادیمه را هرگز فراموش نکن"، "کانون دفاع از حقوق زنان در کردستان" و "تشکل فرهنگی کردهای مقیم سوئد" سازمان داده شده بود. چند سازمان

روزهای جمعه و شنبه و یکشنبه، ۱۷-۱۹ ژانویه، استکهلم میزبان کنفرانسی مهم و در نوع خود بی نظیر در سالگرد به قتل رسیدن فادیمه شاهیندل بود. در هفته قبل از کنفرانس تصویر دوست داشتنی فادیمه عزیز و کمونیستها و آزادیخواهانی که جامعه سوئد را در ابعاد میلیونی مورد خطاب قرار داده اند، در مرکز اخبار و مباحث پیرامون این واقعه مهم بودند. این کنفرانس به دعوت سازمان "پلا و فادیمه را هرگز فراموش نکن"، "کانون دفاع از حقوق زنان در کردستان" و "تشکل فرهنگی کردهای مقیم سوئد" سازمان داده شده بود. چند سازمان

جمهوری اسلامی و خطر "مارکسیستها"

ایرج فرزاد

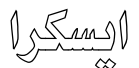
رفسنجانی در جلسه ستاد برگزاری "مراسم دهه فجر" به تهدید نیروهائی که برای سرکار آوردن یک دولت "غیر دینی و سکولار" در تلاشند، اشاره کرد و به ابزارهای اینترنت و آنتن های ماهواره ای بعنوان منابع پخش اندیشه های مخالف رژیم اسلامی پرداخت. در این میان انگشت گذاشتن جناب رفسنجانی بر "مارکسیستها" در کنار "لیبرال ها، سلطنت طلبان و آنچه که او "مسخ شدگان با سوابق انقلابی" (یعنی از نیروهائی که جمهوری اسلامی را سر کار آوردند) بعنوان نیروئی که جمهوری اسلامی را به مصاف طلبیده است درخور توجه است. "مسخ شدگان با سوابق انقلابی" تعبیری آخوندی از بحران بقا و اشاره به بهم ریختن صفوف جناحهای حاکم رژیم اسلامی دارد. اما برآورد رفسنجانی از منابع تولید "خطر" برای جمهوری اسلامی هرچه باشد، اذعان به "مارکسیست" ها به عنوان یک نیروی جدی و بالفعل علیه جمهوری اسلامی، آنهم بعنوان نیروئی که میخواهد رژیم اسلامی را کنار بزند و بجایش یک نظام غیر دینی و سکولار قرار دهد، از وقوع تحولات بزرگی در حیات سیاسی جامعه ایران خبر میدهد. "مارکسیست"ها، چیزی جز گرایش و حزب و نیروی اجتماعی کمونیسم کارگری نیست. و البته آقای رفسنجانی به همین حد از خطر، یعنی به همان اندازه ای که رژیم اسلام سیاسی در معرض سقوط قرار

صفحه ۲

آقای طالبانی! فردا را چکار خواهید کرد؟



خالد حاج محمدی صفحه ۳



سردبیر: ایرج فرزاد iraj_farzad@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۸۵ فاکس: 00448701687574

آدرس:

K.F.K.S
Box 15203
104 65 Stockholm
پست گиро: ۱۶۷۸۴۷۱-۲

رادیو انترناسیونال

هر شب ۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه بوقت تهران

۴۱ متر برابر با ۷۴۹۰ کیلوهرتز تلفن:

۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹ اطلاعات و پیامگیر رادیو:

۰۰۴۴۲۰۸۹۶۲۲۷۰۷

روزهای پنجشنبه نیم ساعت به زبان کردی

◀◀ جنگ آمریکا در منطقه ...

گفته اند به رژیم ایران بگوید در صورت وقوع جنگ، خطری متوجه ایران نخواهد شد. مثل اینکه وضع جمهوری اسلامی چنان وخیم است که دست به دامان طالبانی هم شده و طالبانی در آخرین روز سفرش در فردوگاه مهرآباد گفت که پیامی از سوی دولت ایران برای آمریکائی ها دارد. این روزها چند نفر از مقامات دولت های منطقه و اروپا به ایران رفته و سران رژیم با آنها در مورد این جنگ به رایزنی پرداخته اند و نگران از وضعیت خود این تلاش ها را ادامه خواهند داد.

در صورت وقوع جنگ، رژیم جمهوری اسلامی خواهد کوشید از یک طرف وانمود کند که همسو با سیاست های آمریکا و غرب و جامعه بین المللی است و از شعارهایش علیه آمریکا دست برداشته است و از طرفی دیگر با بهانه قرار دادن حضور گسترده آمریکا در منطقه، و تبلیغ در خطر بودن حکومت اسلام به سرکوب مبارزات مردم بپردازد. اما حربه سرکوب دیگر کارآیی خودش را برای رژیم از دست داده است. این حربه سرکوب موقتی خواهد بود. فضای اعتراضی بالا در میان مردم و تناسب قوای منطقه‌ای که به ضرر جمهوری اسلامی است، موجب تحت فشار قرار گرفتن بیشتر جمهوری اسلامی از جانب مردم میشود.

اما حضور نیروهای آمریکا در منطقه باعث دلگرمی نیروهای راست و پرو غرب خواهد گشت. آمریکا تا به حال هم امکانات مادی و تبلیغاتی بسیاری را در اختیار این طیف قرار داده است. اینها نشان داده اند که منافع آمریکا و غرب را تامین خواهند کرد. برای آمریکا مطلوبتر این است که در صورت امکان چنین نیروهایی را به قدرت برساند، تا از انقلاب دیگری جلوگیری شود. مشکل آمریکا اما این است، که مردم ایران یکبار اینها را از قدرت بیرون انداخته اند و به قدرت رسیدن شان به شکل و شمایل سابق بعید بنظر می رسد. ممکن است در فکر آن باشند که همین نیروها را برای به دست گرفتن قدرت از نوع "جمهوری" آن آماده کنند. همین کارهایی که قبلا در افغانستان و درحال حاضر در عراق دارند انجام می دهند. منتهی مشکلی که دارند این است که جامعه ایران و نیروهای سیاسی آن به نسبت عراق و افغانستان تفاوت اساسی دارند.

این وضعیت یعنی سناریوهای احتمالی که به آن اشاره کردم، و

می باشند. بارها اعلام کرده اند حتی اگر با مخالفت جامعه بین المللی روبرو شوند، باز این جنگ را به راه خواهند انداخت. اگر مواردی هم ریاکارانه گفته اند که وقوع جنگ قطعی نیست، برای آرام کردن فضای اعتراضی علیه جنگ و فشار افکار عمومی بوده است. زیرا مردم جهان با به راه انداختن تظاهرات های بزرگ، در شهرهای بزرگ دنیا، اعتراض خود را به این جنگ نشان داده اند. وگرنه این روزها در تلویزیون های جهان به حرکت درآمدن نیروهای نظامی خود، به سوی منطقه خلیج را به مردم دنیا نشان می دهند. ناوهای غول پیکر جنگی، از انگلیس و آمریکا تا چند روز دیگر در کناره های عراق لنگر خواهند انداخت، تا به همراه دیگر نیروهای آمریکا در منطقه، جنگی را شروع کنند، که طبق برآورد روزنامه های بورژوازی حدود ۱۵۰ هزار انسان کشته و زخمی و یک میلیون آواره خواهد داشت.

اگر این جنگ در گیرد بی شک منطقه دستخوش تحولاتی جلی خواهد شد. یکی از دولت هایی که این جنگ در همسایگی اش روی می دهد، جمهوری اسلامی است. رژیم جمهوری اسلامی خود مستقل از مسئله جنگ با عراق، با بحران همه جانبه ای دست به گریبان است. مردم برای سرنگونی آن، به مبارزه ای همه جانبه دست زده اند. روزی نیست در گوشه ای از جامعه به دلایل گوناگون مردم با نیروهای رژیم درگیر نشوند. هر دو جناح رژیم، زیر فشار این مبارزات در مقابل هم قرار گرفته و بروز کوچکترین اتفاقی، بسرعت تبدیل به مسئله ای بزرگ در سطح جامعه می گردد. تا آنجائیکه به برخورد جمهوری اسلامی به وقوع این جنگ بر می گردد، سعی کرده است، با درس گرفتن از تجربه افغانستان خود را با وضعیت جدید تطبیق دهد و از خیلی از شعارهایش چشم پوشد. در این راستا قبل و بعد از کنگره لندن اکثر سران نیروهای اپوزسیون ملی-اسلامی مانند مسعود بازرانی، احمد چلبی و جلال طالبانی را به تهران دعوت کرد. محمد باقر حکیم بیست سال است در ایران بسر می برد و از مهره های رژیم در این بازی هاست. در میان رهبران جمهوری اسلامی و دولت مردان آمریکایی به واسطه گری دولت ها و نیروهای اپوزسیون عراقی پیام و پیام کاری هایی در جریان می باشد. دو هفته قبل جلال طالبانی در تهران اعلام کرد که آمریکایی ها به وی

◀◀ جمهوری اسلامی و خطر "مارکسیستها"

کارگری دارد همه گیر میشود. مردم ایران در یک برهوت سیاسی زندگی نمیکنند، حزب کمونیست کارگری تضمین کننده زندگی خوشبخت برای مردم ایران، با عزم و اراده در جهت برقراری رفاه و آزادی و برابری به جزئی لایتجزا از مبارزه مردم و انتظارات و آرمانها و شعارها و مطالبات آنان تبدیل شده است. مردم میدانند که این حزب برای "اصلاح" رژیم جنایتکاران اسلامی نیامده است، میدانند که این حزب قدم اول برای رسیدن به آزادی را در سرنگون ساختن کل بساط اسلام سیاسی می بیند. وحشت رفسنجانی، از حضور قدرتمند "مارکسیستها"، کمونیسم کارگری و "نه" گفتن این حزب به هر تلاش و توطئه ای برای حفظ و ابقای رژیم اسلامی و فروش آن به دولتهای غربی از طریق "اصلاح" آن است.

کمونیسم کارگری را به تمام گوشه و زوایای زندگی مردم ایران در شهر و روستا، در کارخانه و محل کار و به کوچه و بازار خواهیم برد. این پروسه هم اکنون بخش زیادی از سیر برگشت ناپذیر خود را طی کرده است. منصور حکمت اعلام کرده است که حزب کمونیست کارگری ایران رفاه مردم و خوشبختی و شادی آنان را میخواهد، او وعده داد که کمونیسم کارگری تصمیم دارد بر طول عمر مردم ایران بیفزاید، حق حیات را تضمین کند و معاش مردم را تامین نماید، پدیده کودک خیابانی و مردم بی مسکن را براندازد. حزب کمونیست کارگری ایران، برای تحقق این قزارها و تعهدها و عملی ساختن کل برنامه یک دنیای بهتر میزمد.

بگذار امثال رفسنجانی و حافظان معمم و مکلائی رژیم اسلامی، در وحشت از قدرت گیری "مارکسیستها" بر خود بلرزند و هذیان بگویند، کمونیسم کارگری بر ویرانه جمهوری اسلامی جامعه ای شایسته انسان آزاد و برابر بنا خواهد کرد.

۲۴ ژانویه ۲۰۰۳

این سرنوشت سیاه و این فلاکت تن نمیدهند، نمیخواهند خودکشی کنند، مقامومت میکنند و برای تغییر اوضاع مبارزه میکنند. و اینجاست که آن خطری که حجت الاسلام هراسان به آن اشاره میکنند وارد معادله میشود: "مارکسیست" ها با یک دنیای بهترشان و با اعلام برنامه و سیاست خود برای سرنگونی رژیم اسلامی و تامین رفاه و آسایش مردم و تضمین حقوق آنها در تعیین نظام آینده ایران. حزب کمونیست کارگری اعلام کرده است همه احزاب سیاسی اپوزسیون را به رعایت منشور آزادیهای سیاسی در جهت تضمین حقوق مردم در تعیین نظام آینده کشور فرا میخواند و خود راسا پس از سرنگونی رژیم اسلامی، دست مذهب را از حکومت و آموزش و پرورش کوتاه خواهد کرد، آزادیهای بی قید و شرط سیاسی را اعلام خواهد ساخت و مجازات اعدام را فوراً لغو خواهد کرد. حزب کمونیست کارگری در جهت برقراری جمهوری سوسیالیستی، در اولین قدم طب و خدمات بهداشتی، آموزش و پرورش و ترافیک عمومی را مجانی و آنها را از حوزه سود و سود آوری و تولید کالائی خارج خواهد ساخت.

برنامه های اینترنتی و ماهواره‌ای که رفسنجانی به آن اشاره کرده است، از جمله شامل همین سیاستهای حزب کمونیست کارگری نیز میشوند که اکنون دیگر در مقیاسی وسیع به خانه های مردم رفته است. هراس رفسنجانی و دیگر سران رژیم اسلامی، واقعی است. سرکوب و بگیر و ببند و اعدام و دست و پا بریدن، یورش به مردم و تلاش برای حذف و ایجاد سانسور بر شبکه های اینترنتی و فرستنده های ماهواره‌ای و دست زدن به نمایش رعب و وحشت اسلامی در برابر مردمی که عزم کرده اند مقدرات سرنوشت خود را خود راسا بدست گیرند، دیگر کارائی ندارد. ادبیات کمونیسم

گرفته است بسنده کرده است: جانشین کردن رژیم اسلامی با دولتی سکولار!

قبل از حجت الاسلام پریشان برای مصلحت نظام، برادران ایشان در وزارتخانه های امنیت و در مجلس اسلامی، در نماز جمعه ها و به مناسبتهای مختلف اخطار کرده بودند که اسلام از چشم مردم و بویژه جوانان افتاده است، که شکاف طبقاتی عمق بی سابقه ای یافته است و به امثال خانواده خود حجت الاسلام بعنوان بخشی از یک مافیای طفیلی در اقتصاد ایران اشاره رفته بود. اما رژیم اسلام سیاسی فقط جامعه ایران را از نظر اجتماعی و اقتصادی به رکود و بحرانهای متداول در جوامع سرمایه داری نکشانیده است. رژیم اسلامی دارد جامعه ایران را بسوی انقراض و نابودی سوق میدهد. روز ۱۱ ژانویه امسال، عظیمی، رئیس مرکز عالی آموزش پژوهش سازمان مدیریت و برنامه ریزی اعلام کرد که: "سرانه تولید در ایران فقط ۵ درصد قابلیتهای حقیقی و موجود کشور است." به گفته او "سرانه تولید در ایران تحت حکومت جمهوری اسلامی، ۱۵۰۰ دلار است." برای یک مقایسه بد نیست بدانید که این رقم برای کشورهای سوئیس، ژاپن و آمریکا به ترتیب ۴۰ هزار، ۳۹ هزار و ۳۸ هزار دلار است. روزنامه رسالت به نقل از شاهی عربلو، گفته است که ۸۵ در اقتصاد کشور در دست شرکتهای دولتی است، اما از مجموع شرکتهای دولتی ۶۲۶ شرکت زیان ده، ۱۸۳ شرکت بدون سود و ۱۱۶۰ شرکت بقیه در حد معمولی هستند.

اگر از شکاف عظیم طبقاتی، بیکاری و بیکارسازیها و عدم پرداخت مزد کارگران هم که در همان "تولید سرانه" به حساب آمده اند، صرفنظر کنیم، و رشوه خوراییها و تقسیم خوان یغما را بین آقازاده‌ها و خیل آخوندها و "علمای" حوزه ها را از جمله در همان شرکتهای دولتی ندیده بگیریم، باز به اینجا میرسیم که جمهوری اسلامی جامعه ایران را تحت سلطه یک مشت طفیلی، بی مسئولیت و راهزن اسلامی به آستانه فروپاشی کشانیده است. اما واضح است که مردم ایران به

آقای طالبانی! فردا را چکار خواهید کرد؟

در باره سخنان جلال طالبانی برای

فراکسیون کردهای مجلس جمهوری اسلامی

خالد حاج محمدی
khaledhaji@yahoo.com

جلال طالبانی رهبر اتحادیه میهنی در سفر اخیرشان به تهران و بدنبال دیدار مقامات جمهوری اسلامی، فراکسیون کرد مجلس را نیز در ۲۰ دی‌ماه ۱۳۸۱ برابر با ۱۰ ژانویه ۲۰۰۳ در هتل استقلال پنیرا میشوند. در این مهمانی طالبانی سخنانی ایراد میکند که در واقع گوشه کوچکی، از لیست بلند بالای مجاهدتها و خدماتش به جمهوری اسلامی است. من در اینجا ترجمه چند تکه از سخنان طالبانی را از متن اصلی آن که به زبان کردی است، ترجمه و نقل میکنم. ایشان میگویند:

"مردی با برادران جمهوری اسلامی ایران در مورد جریانات اسلامی خودمان صحبت میکردم، مثلاً میگفتم جمهوری اسلامی منلاً نیروهای اسلامی دارد اما حق ندارند تلویزیون و رادیو داشته باشند. اما جریانات اسلامی ما تلویزیون و رادیو و نیروی مسلح دارند و پولشان را هم حکومت ما میدهد..."

"ما در منطقه خودمان برای اولین بار مسجد حسینی به سلیمانیه

ساختیم، که بسیار زیباست و انشالله اگر آمیدید آن را خواهید دید... ۱۲ منار آن نشانه ۱۲ امام است و بلندی آن هم قد امام علی است. ... آیات مقدس قرآن را در بسیاری نقاط آویزان کرده‌ایم..."

"... ما از قدیمها با جمهوری اسلامی دوست بوده‌ایم، جمهوری اسلامی در روزهای سخت پشتیبان ما بوده و ما را کمک کرده است... ما هم آنقدر که در توانا داشته‌ایم سود به جمهوری اسلامی رسانده‌ایم."

"بعد از پیروزی هم ما ۲ کار مهم برای جمهوری اسلامی کرده‌ایم، اول اینکه مرزهای جمهوری اسلامی را حراست کرده‌ایم... چند سال است گلوله‌ای در کردستان ایران شلیک نشده است. کار خوب دیگری که کرده‌ایم، این بوده که برادران کردمان را که مخالف جمهوری اسلامی هستند و در منطقه ما میباشند، ضمن احترام به آنها، توانستیم قانع کنیم که مبارزه مسلحانه بیهوده است و نباید از منطقه ما برای عملیات مسلحانه

به ایران بروند..."

آقای طالبانی در ادامه دوستان مهمانش را در جلسه نمایندگان جمهوری اسلامی در مجلس را خطاب قرار میدهد و میگوید: "...به نظر من شما به هر میزان برای رشد و پیشروی جمهوری اسلامی تلاش کنید، به سود مردم کردستان است."

باز میگوید: "...ما وفاداریم به تعهدات خودمان، ما دوست جمهوری اسلامی هستیم، اکنون دوستیم، فردا دوست میباشیم، اگر عراق هم آزاد شد انشالله دوست خواهیم بود."

توضیحات خود جلال طالبانی گویا و روشن است، اما واقعیت این است آنچه در سخنان جلال طالبانی آمده است تنها گوشه بسیار کوچکی از خدمات اتحادیه میهنی و شخص طالبانی به جمهوری اسلامی است. کردستان عراق در سایه مجاهدتهای اتحادیه میهنی سالهاست به جولانگاه سپاه پاسداران و مرکز اطلاعات و قرارگاه رمضان تبدیل شده است. در این مدت بیش از ۴۰۰ نفر از مخالفان جمهوری اسلامی در کردستان عراق و در نتیجه چنین خدماتی که طالبانی

« جنگ آمریکا در منطقه... »

مردم بدانند حضور آمریکا و نیروهای طرفدارش بر عکس ادعای ریاکارانه، هیچ نفعی برای مبارزه شان ندارد. کارگران و زحمتکشان باید با چشمانی باز به این دوره پر تلاطم که در راه است، پای بگذارند.

نیروها و جریانات بورژوازی با توجه به ماهیت طبقاتی شان مدام این تئوری را جار می‌زنند که آمریکا هر چه را اراده کند، قدرت انجام و عملی کردن آنرا دارد، گویا چاره ای نیست و تلاش می‌کنند که این قدر قدرتی آمریکا و نقش آنرا در رقم زدن سرنوشت مردم به اصل پذیرفته شده ای در میان مردم تبدیل کنند. این تئوری در صورتیکه مردم و نیروهای کمونیست در میدان نباشند می‌تواند جایگاهی داشته باشد. اما در صورت حضور مردم و تحریک انقلابی و اعمال اراده مردم ناکام ماندن نقشه‌های

حضور آمریکا در منطقه محدودیت‌هایی برای جنبش رادیکال و برابری طلبانه مردم ایران به وجود خواهد آورد. همانطوریکه اشاره شد رژیم از این حضور آمریکا به بهانه حفظ کین اسلام استفاده خود را خواهد کرد و نیروهای راست پرو غرب نیز با حمایت آمریکا و با توجه به تناسب قوایی که بنفع شان پیش خواهد آمد می‌کوشند با بند و بست از بالا و قیچی کردن مبارزات مردم، آنها را از دخالت در قدرت سیاسی دور کنند.

برای مقابله با این سناریوها جنبش رادیکال و برابری طلبانه مردم و در پیشاپیش آن کمونیست‌ها باید به دقت همه جوانب آن را بررسی و راه مقابله با آنها را به روشنی بشناسد. هم باید تبلیغات و سرکوبگری‌های رژیم را به بهانه جنگ در منطقه خنثی نماید و هم از همین اکنون

آمریکا امری کاملاً محتمل است. تغییر و بهبود در زندگی مردم ایران بستگی به این دارد که تا چه اندازه در جدال‌های پیشارو حضور فعال خواهند داشت. تحولات پیچیده‌ای در راه است. راست و چپ جامعه استراتژی و برنامه خود را تعقیب میکنند. حزب کمونیست کارگری در صدد به میدان کشیدن مردم و سرنگونی جمهوری اسلامی و تضمین اعمال اراده مردم و تامین آزادی و برابری و رفاه است. تحقق جمهوری سوسیالیستی جواب سر راست و انسانی به این اوضاع است. آنچه در این اوضاع مهم است، جا انداختن این توقع و آگاهی و مطالبه است تا عامل نیرو و اراده آگاهانه و آزادانه مردم در دل این تحولات به حاشیه رانده نشود. کمونیسم کارگری تلاش میکند که حضور آگاهانه مردم در صحنه سیاسی را به عامل فعال تبدیل کند.

۲۲ ژانویه ۲۰۰۳

به آن افتخار میکنند، توسط تروریستهای جمهوری اسلامی به قتل رسیدند. مردم فراموش نکرده‌اند که چگونه اتحادیه میهنی مزدوران جمهوری اسلامی را شبانه از وسط سلیمانیه اسکورت کردند و تا دم مقرات حزب دمکرات راهنمایی کردند. فراموش نکرده‌اند که چگونه برای اجرای برنامه‌های جمهوری اسلامی، به مقرات حزب کمونیست کارگری عراق حمله کردند و ۵ رفیق عزیز ما را کشتند و سپس سازمانهای زنان و کودکان را با زور اسلحه بستند و پیام تبریک مقامات ایران را دریافت کردند.

اگر کردستان عراق به مرکز باندهای اسلامی تبدیل شده است، اگر ترور و کشتن زنان امری روزمره شده، اگر فتوای کشتن کمونیستها و آزادیخواهان از جانب باندهای اسلامی صادر میشود، اگر هر از گاهی حتی خود نیروهای اتحادیه میهنی توسط گروههای آدمکش اسلامی قلع و قمع میشوند و با شمشیر اسلام سربازانشان را از تن جدا میکنند، اینها خود نتیجه خدمات مورد اشاره آقای طالبانی است که ایشان در کمال بیشرمی به آن افتخار میکنند و میگویند پول و امکانات تروریستها اسلامی را هم، "دولت" ایشان تامین کرده است.

آنچه مسلم است مزدوری جلال طالبانی اکنون و در شرایطی که جمهوری اسلامی به یمن مبارزات مردم ایران در سراسر سقوط است وارد فاز دیگری شده است. امروز بیش از گذشته حکومت ایران به امثال جلال طالبانی کار دارد.

جمهوری اسلامی ایران سالهاست در کردستان پروژه به قول خودشان فرهنگی راه انداخته است و تلاش دارد به کمک جریانات ناسیونالیستی در کردستان سویاپ اطمینانی در مقابل اعتراضات مردم ایجاد کند. می‌خواهد مبارزات مردم را به کمک این نیروها سد کند و این کار از نظر مقامات ایران به کمک احزاب ناسیونالیستی مقدور است.

امروز دیگر از نظر خود جمهوری اسلامی خطرات جدیتر است و مردم ایران با شعارهای روشنتر و رادیکالتر به میدان آمده‌اند و رژیم را به مصاف میطلبند. در این شرایط خطیر دیگر تنها مرزدراری کار طالبانی نیست و لذا مقامات ارشد رژیم ایشان را دیدار میکنند و برنامه‌ها و وظایف جدید را هم به اطلاع میرسانند.

آیا دیگر تردیدی برای کسی باقی میماند تا متوجه شد فلسفه سرهم بندی کردن سازمان زحمتکشان و

کودتا علیه کومله و سرقت نام آن، در لیست "این خدمات" جلال طالبانی به جمهوری اسلامی نهفته است؟ فاکتور تهدید جنگ آمریکا و بوش علیه صدام بطور واقعی دورنمای "حکومت هیرم" جلال طالبانی بر سلیمانیه را تیره کرده است. جلال طالبانی دیگر رسماً وارد گدانی از حکومتی شده است که خود در وضعیت متزلزلی است، علت اصلی به حاشیه رفتن او و جریانش در نقشه‌های آمریکا و انگلیس و ترکیه در همین جنگ محتمل است.

اما هم آرزوهای جمهوری اسلامی برای عقب نشانیدن مردم معترض و هم عرضه کردن لیست خدمات به رژیم از جانب طالبانی و جریانات ناسیونالیستی، همگی با تاخیر زمانی زیادی ابراز میشوند. مردم ایران، مردم کردستان و مبارزات آنها وارد فاز شده که قابل کنترل نیست. مردم جمهوری اسلامی را نمیخواهند و به هیچ چیزی جز نابودی این رژیم قانع نیستند. جامعه ایران به چپ خرخیده است. مردم خواهان آزادی، برابری و زندگی مرفه و سکولار هستند. حزب کمونیست کارگری ایران در میدان است و امیالهای این مردم را نمایندگی میکند. این مردم را دوباره نمیتوان به خانه هایشان فرستاد. عمری برای جمهوری اسلامی باقی نمانده است.

آقای طالبانی! به نظر میرسد تمام سرنوشت خودتان و دایر کردن بساطتتان را در سلیمانیه تماماً به جمهوری اسلامی گره زده‌اید و به حسینی و ۱۲ منار "امامان شیعه" آن ذخیل بستاید. امروز را با جمهوری اسلامی سر کردید، فردا را، ایران رها شده از سلطه اسلام سیاسی، را چکار خواهید کرد؟ تمام موارد خطیبهای شما، مدارک و اسناد همکاری و خوش خدمتی شما به یکی از جنایتکارترین رژیمهای مذهبی تاریخ معاصر جهان است. فراموش نکنید که این مدارک جرم را خودتان امروز با افتخار بر گردن خویش آویزان کرده‌اید، فردا به ما و مردم ایران و کردستان نخواهد توانست پلوتیک بزیند و به بازی دیپلوماسی کردایتی و عشائیری ادامه دهید.

۲۲ ژانویه ۲۰۰۳

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

گوشه هائی از کنفرانس سه روزه استکهلم (از صفحه اول)

حقوق اش جنگید. مرگ او نه تنها جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی را مرعوب نکرد بلکه عزم و انرژی و اراده این جنبش را برای دستیابی به حق و آزادی تقویت کرد. آرزو محمدی مجری برنامه روز به حاضرین خوش آمد گفت، برنامه کار کنفرانس را اعلام کرد و بعد از یک دقیقه سکوت به یاد فادیمه کنفرانس کار خود را شروع کرد. چند سخنرانی، اجرای تئاتر ناموس، و نیز گرد اهم برنامه روز اول کنفرانس را تشکیل میداد.

- در ابتدا "گانیمه ستولهاگن" از مسئولین "سازمان آموزشی کارگران" آ. ب. اف. در سخنان کوتاهی گفت؛ باعث خوشوقتی و افتخار من است که این کنفرانس مهم در اینجا برگزار میشود. او ضمن خوشامد به حاضرین و تقدیر برگزار کنندگان کنفرانس آمادگی نهاد متبوعش را برای همکاری با چنین تلاشهای مهمی اعلام و برای کنفرانس آرزوی موفقیت کرد.

- هلاله طاهری در سخنرانی خود تحت عنوان "نسبیت فرهنگی، انتگراسیون یا جداسازی" به نقد سیاست انتگراسیون دولت سوئد پرداخت. او با اشاره به گتوهای موجود در جامعه سوئد که دارای نرمها و قوانین خود هستند بعنوان نتایج سیاست راسیستی نسبت فرهنگی، بر جهانشمولی حقوق زنان تاکید و خواهان راه حل پایهای برای حل معضلات زنان و کودکان اسیر در این گتوها گردید.

- گونیل سترن، از استانداری استکهلم مشکلات را برسمیت شناخت و فعالیتهای تاکتونی استانداری استکهلم از جمله تخصیص بودجه و تشکیل خانههای امن برای دختران تهدید شده اشاره کرد.

- سارا محمد در سخنرانی اش با عنوان "فادیمه نه اولین و نه آخرین است، راه حل چیست؟" به نقد طرح پیشنهادی مونا سالین از وزرای دولت سوئد پرداخت و در مقابل طرح آلترا تاتیو برای خلاصی از این وضعیت را تشریح کرد. سارا محمد از جمله درباره ممنوعیت قانونی حجاب برای کودکان، تعطیل مدارس مذهبی، حق پناهندگی به همه زنانی که از کشورهای اسلام زده میگریزند و تغییر فوری در قانون اشاره کرد.

- سپس تئاتر زیبا و انتقادی با عنوان «ناموس» توسط یک گروه تئاتر اجرا شد. در این تئاتر حقایق تلخ زندگی زنان و دختران مهاجر در محیطهای اسلامی و خانواده های سنتی به تصویر کشیده شد.

- بخش پایانی برنامه روز اول کنفرانس میزگرد بود. در این پانل که آرزو محمدی آن را اداره میکرد نمایندگان احزاب پارلمانی سوئد: حزب سوسیال دمکرات، حزب سبز،

حزب چپ، حزب مرکز، حزب لیبرال مردم، خلیل کیوان از حزب کمونیست کارگری، سارا محمد، هلاله طاهری، پروین کابلی از کمپین دفاع از حقوق زنان در ایران، ماریا رشیدی از نهاد حق زن، نماینده استانداری استکهلم و نماینده اداره امور اجتماعی استکهلم شرکت داشتند. در این میزگرد برای اولین بار از سوی مقامات سوئدی شرکت کننده در پانل اذعان شد که ممنوعیت قانونی حجاب در مورد دختران زیر ۱۶ سال قابل بحث و گفتگوست.

روز دوم

روز دوم کنفرانس به زبان انگلیسی بود. مجری برنامه و گرداننده پانل این روز سهیلا شریفی دستیار سردبیر مودسا بود. تسلیمه نسرین، آذر ماجدی، یوران گریدر، آیدا توماسلیمان، مریم نمازی، اعظم کم گویان، مانال مصلح و ناسک احمد سخنرانان روز دوم کنفرانس بودند.

در اینروز همچنین نامه تکان دهنده "برین اتروشی" خواهر پلا اتروشی، که بعد از مرگ پلا خطاب به او نوشته شده بود توسط سارا محمد در کنفرانس قرائت شد. پلا دختر ۱۹ ساله، شهروند سوئدی، با نقشه قبلی به کردستان عراق برده شد و در آنجا بدست پدر و عموهایش به قتل رسید.

- تسلیمه نسرین نویسنده معروف بنگالادشی در سخنرانی بسیار زیبایش با نگاهی سیاسی و هنری تجربه و زندگی شخصی و مبارزاتی اش را مرور کرد، او با اشاره به اینکه زندگی اش را مدیون تلاشهای آزادیخواهانی است که از او دفاع کردند، بر ضرورت یک مبارزه گسترده و بین المللی علیه ارتجاع مذهبی تاکید کرد.

- آذر ماجدی سردبیر نشریه مودسا و بنیانگذار سازمان آزادی زن، در سخنرانی خود درباره نقش اسلام سیاسی در سرکوب خونین جنبش زنان، استفاده از این ابزار در کشورهای خاورمیانه برای مقابله با چپ و کمونیسم، حمایت دولتهای غربی از این جریانها در متن جنگ سرد، توجیه این سیاست ارتجاعی ضد زن تحت عنوان نسبیت فرهنگی صحبت کرد و گفت نسبیت فرهنگی نام مستعار راسیسم ایندوره است. آذر ماجدی در عین حال از یک مقاومت وسیع زنان در این کشورها و تمایلات گسترده سکولاریستی نام برد و تاکید کرد دفاع از حقوق جهانشمول زن بدون مقابله با مذهب و جنبش اسلام سیاسی و سکولاریستی غیر ممکن است.

- آیدا توما سلیمان فعال فلسطینی جنبش زنان در اسرائیل از وقوع گسترده قتلهای ناموسی سخن گفت و ضمن تاکید به گسترش مبارزه زنان برای حق برابر، به نقش و دخالت دولت در گذراندن قوانین به نفع زنان و حمایت از برابری حقوق زنان مستقل از تمایلات خانواده تاکید کرد و تلاش جنبش زنان را در این زمینه کلیدی دانست.

- سخنران بعدی یوران گریدر نویسنده معروف سوئدی و سردبیر نشریه

دالا دمکرات بود. او ضمن معرفی خود بعنوان یک سوسیالیست و کسی که به ارزشهای یونیورسال باور دارد گفت با قتل فادیمه جامعه سوئد متوقف شد. او گفت دختران و زنان زیادی که از دست خونین مذهب و دیکتاتوری و سنتهای ارتجاعی گریخته اند، همچنان در خطر قرار دارند و دولت چشم خود را به روی این واقعیت بسته است.

- اعظم کم گویان، نویسنده و مسئول کمیته دفاع از حقوق زنان در خاورمیانه در باره قتل ناموسی سخنرانی کرد. اعظم کم گویان ریشه کن کردن و حتی تضعیف جدی این معضل را در گرو تحول در ساختار اجتماعی جامعه، جدائی مذهب از دولت، تحقق سکولاریسم و مبارزه وسیع علیه دولتهای اسلامی و جنبش اسلام سیاسی دانست.

- مانال مصلح، استاد دانشگاه که در باره انتگراسیون زنان فلسطینی در سوئد سخنرانی داشت، به بررسی هائی مقایسه ای در دهه های ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۰ در میان زنان فلسطینی، در زمینه فرهنگ، روشهای زندگی، فرهنگ غذایی و غیره اشاره کرد و موانع انتگره شدن را برشمرد.

- ناسک احمد، مسئول سازمان مستقل زنان در کردستان عراق در باره "اسلام در دادگاه عدالتخواهی جنبش زنان" سخنرانی داشت. او در مورد جنبش زنان در کردستان عراق و خواستههای آن، عروج جنبش اسلامی و نقش ضد زن و جنایتکارانه آنها صحبت کرد.

مریم نمازی، دبیر فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی، در باره حق پناهندگی به زنانی که از کشورهای اسلام زده گریخته اند سخنرانی کرد. او در سخنرانی پرشور و بسیار زیبای خود ضمن تحلیل اوضاع سیاسی این جوامع و موقعیتی که برای زنان پدید آورده است، برخورد بشدت غیر انسانی دولتهای غربی و در موارد زیادی همکاری با آنها و توجیه این سیاستها را به نقد کشید.

مریم نمازی بر اعطای حق پناهندگی بدون قید و شرط به زنانی که از این کشورها فرار میکنند تاکید کرد.

- میزگرد و پانل در مورد ریشه های ستم به زنان، اسلام سیاسی، قتلهای ناموسی و نسبیت فرهنگی بخش پایانی روز دوم کنفرانس را تشکیل میداد. در این پانل که توسط سهیلا شریفی اداره میشد، "تیکلاس کلن" از سازمان نجات کودک، آذر ماجدی از سازمان آزادی زن، ویلو لیله سار از اداره مهاجرت سوئد، ژئوف راساسی از اداره هم پیوستگی سوئد، گونیل سترن متخصص برابری از استانداری استکهلم، "مانا مصلح" از

شخصیتهای صلح اسرائیل و فلسطین، مریم نمازی از فدراسیون پناهندگان ایرانی، آیدا توما سلیمان از فعالین جنبش زنان در اسرائیل و اعظم کم گویان مسئول کمیته دفاع از حقوق زنان در خاورمیانه، شرکت داشتند.

در حاشیه روز دوم کنفرانس، یک کنفرانس مطبوعاتی یکساعته با حضور تعدادی از سخنرانان برگزار شد.

روز سوم

روز آخر کنفرانس به زبان کردی بود. جلسه با صحبتهای اسد نودینیان در رابطه با اهمیت این کنفرانس و گزارشی کوتاه از مباحث دو روز گذشته و انعکاس وسیع آن شروع شد. کنفرانس با نمایش فیلمی از هلاله طاهری با نام «واقعیت تلخ زنان»، که رپرتاژی از وضعیت اسفبار زنان در کردستان عراق بود و در تابستان گذشته تهیه شده بود، ادامه یافت. این فیلم به زبان کردی و زیرنویس سوئدی بود، با استقبال حاضرین روبرو شد.

- شیرکو بیگس، شاعر و وزیر سابق فرهنگ در حکومت کردستان عراق در سخنرانی خود ضمن محکوم کردن قتل فادیمه و انگیزه های اسلامی پشت آن، تغییر وضع زنان در کردستان عراق و کارهای انجام شده را مثبت ارزیابی کرد و در عین حال تاکید کرد که اینها کافی نیست. در خاتمه شعری را که به یاد فادیمه سروده بود به کنفرانس تقدیم کرد.

- آذر مدرسی، عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران، به ریشیایی خشونت علیه زنان پرداخت و بطور مشخص در مورد کشورهای خاورمیانه به رشد اسلام سیاسی و جهنمهای ساخته شده برای زنان اشاره کرد. او ضمن نقد فرهنگهای زن ستیز، رهائی زنان را در برسمیت شناسی و تحقق حقوق جهانشمول، که باید با مبارزه ای گسترده و سیاسی به کرسی نشاندن شوند تاکید کرد.

- نازنین رشید، فعال پروژه اتحادیه زنان کردستان، گزارشی تحقیقی از موقعیت زنان در کردستان عراق از جمله میزان بی سواد، حضور زنان در جامعه و فرهنگ حاکم بر این کمبودها در کردستان عراق ارائه داد. او به فرهنگ مردسالاری بعنوان ریشه این مشکلات تاکید کرد و مبارزه با آن را راه چاره میدانست.

- نازنین صالح، از مسئولین خانه امن زنان در کردستان عراق، ضمن ارائه گزارشی از فعالیتهای این مرکز، همچنین به پروسه بستن دفاتر و خانه های امن این نهاد از جانب احزاب حاکم در کردستان عراق پرداخت. او از شرکت کنندگان در کنفرانس خواست که به بستن خانه های امن زنان، که تنها سرپناه زنانی است که بعضا ۸ سال در خانه زندانی شدند و یا در حمام

خانه غل و زنجیر شدند، اعتراض کنند.

- هلاله طاهری، از برگزار کنندگان کنفرانس به موانع انتگراسیون زنان کرد پرداخت. او در شروع تصویری از کل مهاجرین در اروپا که جمعیتهای کرد هم را شامل می شود و تاثیر سیاست نسبیت فرهنگی بر زندگی مردم در این کشورها پرداخت. او گفت سیاست گتوسازی میدان حکمرانی اسلام سیاسی، ناسیونالیسم و ارتجاع است. اما در این کامیونیتی ها گرایش دیگری هست که در میان جوانان و زنان بسیار قویست که خواهان برابری حقوقی و اجتماعی است. او بعنوان یکی از نمایندگان این گرایش راه حل را در تغییر قوانین به نفع زنان و دختران مهاجر، کوتاه کردن دست گروههای اسلامی، ناسیونالیستی و عشائیری از زندگی مردم توضیح داد.

- رسول عبدالله، محقق دانشگاه گوتنبرگ و مسئول پروژه تحقیق در مورد قتلهای ناموسی در کردستان عراق، از مصاحبه هایی که بویژه با مردان، انجام داده بود نتیجه میگرفت که فرهنگ ناموس پرستی از جانب بخشی از مردم در جامعه و با تقویت قدرتهای مسلح در منطقه هر روز علیه زنان جنایت می آفریند.

- سارا محمد بحث خود را تحت عنوان "ترور زنان و پدیده قتلهای ناموسی" ارائه داد. سارا محمد اسلام سیاسی و فرهنگهای ارتجاعی را به عنوان مسببین این جنایات معرفی کرد

پایان بخش روز سوم کنفرانس میزگردی پیرامون ترور زنان و قتلهای ناموسی بود که توسط اسد نودینیان اداره میشد. در این میزگرد ناسک احمد، مسئول سازمان مستقل زنان و عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری عراق، آذر مدرسی، رسول عبدالله، هلاله طاهری، نازنین رشید، سارا محمد و هلاله رافع مسئول کمیته دفاع از حقوق زنان در عراق شرکت داشتند.

روز دوشنبه و سه شنبه، ۲۰ و ۲۱ ژانویه، بدعوت کمپین دفاع از حقوق زنان در ایران و سازمان پلا و فادیمه راه هرگز فراموش نکن، ادعانامه فادیمه را به مرکز شهرهای استکهلم و ايسلاا بردیم تا در تظاهراتهای پرشکوه آن را فریاد کنیم. صدها نفر در این تظاهراتها با آوردن گل میخک یاد فادیمه را گرامی داشتند. این تظاهراتها وسیعا در رسانه های سوئدی منعکس شد.

تنظیم از: هلاله طاهری
تلخیص از ایسکرا
